

حادثه ۱۹ دی

پاسخ مؤمنانه به نیاز زمانه

روایتی از امام خامنه‌ای



موفق در دفاع مقدس و در خطوط مقدم بود. در همه امتحان‌های بزرگ، ق‌می‌ها از عهده امتحان، خوب برآمدند؛ صف مقدم هم جوان‌ها بودند. من می‌خواهم، شما جوان امروز که احساس دارید، اندیشه دارید، شور و شعور دارید، این شناسنامه پرافتخار نسل جوان ق‌می بعد از رحلت امام بزرگوارﷺ که سایه ایشان از سر ما کوتاه شد – نقش‌آفرینی جوان‌های ق‌می بارزتر هم بوده است؛

ق‌می‌ها در انقلاب نقش‌آفرینی کردند. در دفاع مقدس نقش‌آفرینی کردند؛ بعد از تمام شدن جنگ –به‌خصوص بعد از رحلت امام بزرگوارﷺ که سایه ایشان از سر ما کوتاه شد – نقش‌آفرینی جوان‌های ق‌می بارزتر هم بوده است؛ این نکته مهمی است.

توجه بکنید؛ از سال‌های آخر دهه اول انقلاب به بعد، دشمنان انقلاب و جبهه دشمن با استفاده از کارشناس‌های ایرانی، یک سیاستی را طراحی کردند – چون غیر کارشناس‌های ایرانی به این نکته توجه پیدا نمی‌کردند؛ کسانی که طرف مشورت‌شان قرار می‌گرفتند، ایرانی بودند و آن سیاست این بود که از ق‌م آنتی‌تر انقلاب درست کنند. همان‌طور که انقلاب از ق‌م جوشید، یک ضد انقلاب هم از ق‌م به وجود بیاورند. ق‌م حوزه روحانیت است. حوزه علمیه ظاهراً در ق‌م است؛ اما این جمع حوزوی در معنا در همه کشور منتشر است. این طلبه ق‌می که در ق‌م ساکن است، در شهر خود، در روستای خود صاحب نفوذ است. از سرتاسر کشور در اینجا جمعند. آن روزی که افراد این حوزه برای تعطیلی یا برای کاری به منازل خود می‌روند، معنایش این است که حوزه در سرتاسر کشور منتشر می‌شود. پس هر فکری در اینجاست، هر ایده‌ای در اینجاست، هر عزم و اراده‌ای در اینجاست، هر حرکت و جهت‌گیری‌ای در اینجاست؛ در واقع در سرتاسر کشور، یک امتدادی دارد؛ این را بیگانه‌ها نمی‌فهمیدند؛ آمریکایی‌ها نمی‌توانستند، این حقیقت را تحلیل کنند؛ این را یک خودی، یک ایرانی، یک آشنا به طبیعت روحانیت می‌توانست بفهمد؛ این را به آنها یاد دادند؛ لذا سعی کردند، در ق‌م زمینه فتنه را فراهم کنند. من چون نمی‌خواهم از کسی اسم بیاورم، اسم نمی‌آورم و عبور می‌کنم. در همان سال ۵۸ و ۵۹، هم مردم ق‌م، هم مردم تبریز حماسه آفریدند؛ نه فقط حماسه آمدن توی میدان و مشت گره کردن؛ بلکه حماسه معنوی، حماسه شعور، حماسه تحلیل درست. بعد از رحلت امام ﷺ هم، به‌شکل دیگری همین اتفاق در ق‌م افتاد. اینجا هم مخالفان و دشمنان – عمدتاً دشمنان بیرون مرز؛ اصل آنهاپند – طراحی کرده بودند که بتوانند، این آنتی‌تر را در اینجا به وجود بیآورند. اگر ق‌می‌ها غافل بودند، اگر جوان‌های ق‌م از تحلیل عاجز بودند، اگر آن هوشمندی لازم را نمی‌داشتند، مشکلات بیش از اینها می‌شد؛ این حقیقت امر است. این بیان واقع نسبت به مجموعه جوان در ق‌م است. (۱۳۸۹/۸/۴)

حادثه ۱۹ دی

پاسخ مؤمنانه به نیاز زمانه

روایتی از امام خامنه‌ای



در همین جلوی کوچه حرم یا آن طرف خیابان، کوچه ارگ، کیوسک روزنامه‌فروشی بود؛ خبرهای روزنامه‌ها را در آنجا می‌زدند. ماها از درس که برمی‌گشتیم، می‌ایستادیم تیتیر این روزنامه‌ها را نگاه می‌کردیم. وقتی در مسئله انجمن‌های ایالتی و ولایتی، دولت طاغوت مجبور به عقب‌نشینی شد و آن تصویب‌نامه را باطل کرد، من دیدم این جوان‌هایی که حول و حوش همین کوچه حرم و توی خیابان ارم بودند – که این جوان‌ها را غالباً می‌دیدیم و هیچ تصور نمی‌کردیم که اینها با اندیشه سیاسی و مسائل سیاسی سر و کاری داشته باشند – آمدند به ما گفتند: ما موفقیت روحانیت را در مقابل دولت طاغوت به شما تبریک عرض می‌کنیم. جوانان ق‌می که به‌حسب ظاهر برکنار بودند، به ما طلبه‌ها که هیچ آشنائی هم با هم نداشتیم، می‌آمدند تبریک می‌گفتند.

من از همان وقت به ذهنم رسید که این چه روحیه‌ای در جوان ق‌می است – دانشجو که آن وقت در ق‌م نبود، جوان دانش‌آموز یا حتی غیر دانش‌آموز، جوان بیکار – که نسبت به مسئله مبارزه و نهضت و پنجه درافکندن روحانیت با دولت طاغوت، این‌جور حساس است. بعد که مسائل سال ۵۶ پیش آمد، آنجا ق‌م خودش را نشان داد. حقیقتاً به‌معنای واقعی کلمه، رهبری حرکت مردم در خیابان‌ها و حضور در میدان‌ها و ایستادگی در مقابل پنجه‌های چدنی و خشن دستگاه را ق‌م شروع کرد. همین جوان‌های ق‌می آمدند توی خیابان‌ها، خون‌هاشان بر زمین ریخته شد؛ البته مأمورین نظام طاغوت را حسابی هم اذیت کردند؛ آن زیرکی جوان‌های ق‌م و شیطنت آنها، مأمورین را حسابی سردرگم هم می‌کرد.

بعد مسئله انقلاب پیش آمد. همه جا ق‌م در صفوف مقدم بود. این لشکر علی‌بن‌ابی‌طالب ﷺ جزء لشکرهای

هرچند نقطه اصلی ثقل این کار بر دوش جوان‌ها بود؛ چون فطرت پاک و پایبند نبودن به تعلقات مادی، جوان را راحت‌تر به وسط میدان انجام وظیفه می‌برد. همه ملت ایران در دوران انقلاب، این منش و کار بزرگ را نشان دادند؛ یکی زودتر، یکی دیرتر؛ اما جلوتر از همه ق‌م بود. نتیجه این شد که دژ تسخیرناپذیری که دریست در اختیار دشمنان ملت ایران و غارتگران و زورگویان و راهزنان بین‌المللی بود، دژ حکومت ایران به‌وسیله مردم از دست آن‌ها خارج شد و مردم آن را فتح کردند. (۱۳۷۹/۱۰/۱۹)

نقش داشتن مردم و حوزه علمیه قم

در حرکت تاریخی نوزده دی

در این حرکت تاریخی[قیام نوزده دی]، هم مردم ق‌م و هم حوزه معظم و جلیل‌القدر علمیه قم نقش داشتند. جوانان و مرد و زن ق‌م، قبل از آن حرکت و با آن حرکت، نشان دادند که پابندی آن‌ها به اسلام، لقلقه زبان نیست و حوزه علمیه ق‌م و مراجع معظم ق‌م در آن روز نیز ثابت کردند که ظرفیت و استعداد هدایت یک موج عظیم مردمی را در این اقیانوس بی‌کران دارا هستند. این‌ها چیزهایی نیست که زایل شود. امروز هم، همان ایمان، همان مردم و همان حوزه علمیه در ق‌م استوار است؛ لذا ق‌م محور اساسی انقلاب بوده و خواهد بود. جوانان ق‌م نقش و سهم بسیار بزرگ خود را فراموش نکنند.

(۱۳۸۲/۸/۱۸)

ایستادگی جوانان و مردم قم

در صفوف مقدم انقلاب

من در خصوص جوان‌های ق‌م، هم خاطرات دارم، هم اطلاعات متعدد و فراوانی دارم... قبل از آنکه مبارزات در سال ۴۱ و ۴۲ اوج بگیرد، اینجا ما نشانه زیرکی جوانان ق‌م و هوشمندی آنها را مشاهده کردیم، من فراموش نمی‌کنم؛



حادثه ۱۹ دی؛ مبدأ تاریخ تحولات جدید دنیا

یقیناً آگاهی و بیداری و بصیرت مردم عزیز ق‌م و پاسخی که آنها با همه وجودشان به حوزه علمیه و به مرجع تقلیدشان دادند، یک حادثه ماندگار در طول تاریخ است و خواهد ماند.

اگر ما حادثه نوزدهم دی را مبدأ تاریخ تحولات جدید دنیا بدانیم، شگفت‌آور نیست و سختی به‌گراف گفته نشده است. حوادث جامعه بشری و این عالم بزرگ، متأثر از قانون تأثیر متقابل است. حوادث بر روی هم تأثیر می‌گذارد و زنجیره حوادث تاریخی، وقایع بزرگ را به وجود می‌آورد. اگر این‌جور تصویر کنیم، صورت مسئله را که حرکت مردم ق‌م در روز نوزدهم دی در سال ۵۶ یک جرقه‌ای بود، در فضای ظلمانی عجیب خفقان آن روز – که شرح اختناقی که آن روز در کشور وجود داشت و همه دنیای به‌اصطلاح طرفدار آزادی، پشتیبان آن خفقان بودند و از حکمرانان و سلطه‌گران مستبد و دیکتاتور با همه وجودشان دفاع می‌کردند، کتاب‌های زیادی لازم دارد – در یک چنین فضائی، این خون‌های پاک‌ی که در چهارمردان ق‌م ریخته شد و حرکت عظیم مردم ق‌م را در روز نوزدهم دی پدید آورد، جرقه‌ای بود که در حقیقت اصابت کرد به انبار و آذوقه ذخیره عظیم ایمانی این مردم و ناگهان فضا را منقلب کرد.

اگر حادثه نوزده دی ق‌م نمی‌بود، آن حوادث گوناگون شهرستان‌ها و سلسله اربعین‌ها که مردم را به میدان مبارزه کشاند، به وجود نمی‌آمد. اگر آن تحولات و آن حوادث نبود، ۲۲ بهمن به وجود نمی‌آمد، انقلاب اسلامی به پیروزی نمی‌رسید. انقلاب اسلامی به پیروزی رسید، چالش با استکبار شروع شد، هیبت استکبار شکست، هیبت آمریکا و صهیونیسم شکست. اگر این شکسته شدن هیبت پوشالی ابرقدرت‌ها – که با هیبت خودشان بیش از واقعیت وجود خودشان در دنیای انسان‌ها تصرف می‌کنند – مسلمان‌ها را در کشورهای مختلف به فکر انداخت و بیدار کرد، ایستادگی مردم ایران، مظلومیت ملت ایران در حوادث مختلف، در جنگ تحمیلی، در دوران سخت توامان دفاع مقدس و تحریم – اینکه ملت ایران این‌جور محکم ایستادند، با ثبات پیش رفتند – ملت‌ها را زتکان داد. اگر این ثبات نبود، اگر این ایستادگی نبود، اگراین به چالش کشیدن هیبت دروغین ابرقدرت‌ها نبود، ملت‌ها وارد میدان نمی‌شدند؛ بیداری اسلامی به وجود نمی‌آمد. (۱۳۸۹/۸/۱۹)

نوزدهم دی‌ماه

پاسخ مؤمنانه مردم قم به نیاز زمانه

نوزدهم دی یک نقطه درخشنده است؛ نه فقط در تاریخ ق‌م؛ بلکه در تاریخ کشور ما و تاریخ انقلاب. جوانان ق‌م، مرد و زن، طلبه و غیرطلبه، در این روز یک پاسخ مؤمنانه و قهرمانانه به نیاز زمان دادند. مهم این است که هر ملتی، هر شخصی و هر مجموعه‌ای بتواند به نیاز زمانه خود پاسخ دهد؛ البته مردم ق‌م اولین‌بار در نوزدهم دی نبود که این هوشیاری و هوشمندی و شجاعت را از خود نشان دادند؛ هزار و دویست سال است که شهر قم پایگاه اشاعه افکار منور اهل بیت ﷺ است. آن وقتی که حکومت‌های مخالف اهل‌بیت هم بر سر کار بودند، مردم ق‌م این موضوع را حفظ کردند و اگر سختی‌هایی هم داشت، آن را تحمل کردند. هفتاد سال هم هست که ق‌م مرکز و پایتخت فکری و علمی دنیای اسلام است. از زمان ورود مرحوم آیت‌الله حائری به ق‌م سال ۱۳۴۰ قمری، این شهر به مرکز اصلی علمی عالم اسلام و تشیع تبدیل شد و بعد در زمان مرحوم آیت‌الله بروجردی به اوج خود رسید؛ و محصول آن دوره‌ها، پیدایش شخصیت عظیم‌القدر و کم‌نظیری مثل امام بزرگوار بود. این سابقه درخشان برای ق‌م وجود دارد که همیشه به نیاز زمان پاسخ گفته است. نوزدهم دی هم از این قبیل بود.

اشکال کار ملت‌ها و اشخاصی که توسری‌خور زمانه باقی می‌مانند و مغلوب حوادث دوران خود می‌شوند، این است که زمان و جریانات خود را نمی‌شناسند؛ آنچه را که اقتضا و نیاز زمان است، درک نمی‌کنند؛ اگر هم درک می‌کنند، گاهی شجاعت ابراز آن را ندارند؛ لذا زمانه و عوامل مخالف و معاند بر آن‌ها غلبه می‌کند.

اگر مردم ق‌م در نوزدهم دی‌ماه سال ۱۳۵۶ قیام نمی‌کردند و آن حوادث عظیم را بی‌دربی به وجود نمی‌آوردند، احتمالاً حوادث به سمت و سوی دیگری می‌رفت؛ اما آن‌ها ابتکار به خرج دادند و مرد و زن و جوان و پیر و روحانی و غیرروحانی، در این حرکت سهیم شدند؛



اخلاق در حوزه

هدف از خلقت انسان

آیت‌الله‌العظمی مظاهری

این سؤالی است که همه داریم. این سؤالی است که معمولاً افرادی که در مشکل واقع می‌شوند و معمولاً در محرومیت زندگی می‌کنند، از خود یا از دیگران می‌پرسند. برای چه به این دنیا آمده‌ایم؟ آمدن ما در این دنیا چه فایده‌ای دارد؟ چرا خدا ما را خلق کرده است؟ راجع به پاسخ این سؤال، مفاهیم ارزنده‌ای یافت می‌شود. از آنجا که بحث ما درس اخلاق و محور مباحث، قرآن کریم است، بحث مزبور را از نظر آیات قرآن بررسی خواهیم کرد.

قبل از هر چیز لازم است، بدانیم که از منظر قرآن کریم، عالم وجود برای انسان خلق شده است. این حقیقت در آیاتی بیان شده است. از جمله می‌فرماید: ﴿أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعَمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً﴾ (لقمان،۲۳)؛ یعنی ای انسان! هدف از عالم وجود تو هستی؛ اگر عالم ناسوت را؛ یعنی عالم ماده و این دنیا را، عالم طبیعت را از اتم تا کهکشان‌ها خلق کردم، برای توست. اگر عالم ملک را، عالم ملکوت را، عالم جبروت را خلق کردم، برای توست.

خداوند تعالی به بندگان خویش فرموده است: ای انسان! آیا فکر نمی‌کنی، آیا نمی‌بینی همهٔ جهان را برای تو خلق کردم و همهٔ جهان مسخّر توست؟ تو آن کسی هستی که می‌توانی، بر عالم ماده و ملک تسلط پیدا کنی. می‌توانی بر عالم ملکوت تسلط پیدا کنی و بالاخره می‌توانی بر عالم جبروت تسلط پیدا کنی، می‌توانی همهٔ عالم را زیر سیطرهٔ خود درآوری؛ یعنی نه فقط اتم، نه فقط کرهٔ زمین، نه فقط کهکشان‌ها، نه، بالاتر از اینها، آسمان‌ها، چه آسمان اول، چه آسمان دوم، چه آسمان هفتم، چه عالم لوح، چه عالم قلم، چه عالم عرش، همه و همه برای توی انسان است. پس چرا احترام برای خودت قائل نیستی؟ ای انسان! عزیز هستی؛ اما چرا خود را ذلیل می‌کنی؟ ای انسان! محترمی، چرا احترام خودت را از دست می‌دهی؟ آیا نمی‌بینی که عالم هستنی برای تو خلق شده است؟

اگر امتیازی برای انسان، جز همین امتیاز نداشتیم، بس بود برای اینکه انسان به خود بیالک و بگوید: خدا عالم را برای من خلق کرده است و سند قرآنی هم داده است؛ یعنی علاوه بر اینکه عالم را برای من خلق کرده، سند هم دارد و آن سند هم قرآن کریم است. در آن کتاب آسمانی، همان کتاب دین تا روز قیامت، فرموده است: عالم وجود و هرچه من خلق کردم، برای توست.

در سورة یس می‌خوانیم: ﴿وَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَخْلُقْ لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَلَكَوْنٌ﴾ (یس،۷۱)؛ یعنی حیوانات را برای انسان خلق کردیم و او مالک آنهاست. در آیات بعدی آن نیز فرموده است: آن جانوران را برای آدمی رام کردیم تا بر آنها سوار شود و از منافع آنها، از جمله، گوشت، پوست و شیرشان بهره‌برد.

قرآن شریف در آیهٔ دیگر می‌فرماید: ﴿خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ (بقره،۳۹)؛ ای انسان من این زمین را با آنچه در آن است، برای تو خلق کردم. اگر ملک است، برای انسان؛ اگر کرهٔ زمین است، برای انسان؛ اگر اتم است، برای انسان و اگر کهکشان است، برای انسان خلق شده است.

افزون بر این، زمین را برای انسان رام و آماده ساخته، تا بتواند روی آن زندگی و از آن استفاده کند. در سورة ملک می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِن رِّزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ﴾ (ملک، ۱۵)

باید توجه شود، کرهٔ زمین نسبت به عالم طبیعت، ریگی در برابر بیابان و قطره‌ای در دریاست. قرآن کریم راجع به ستاره‌ها و کهکشان‌ها که ما در آسمان می‌بینیم، فرموده است: ﴿وَرَبَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِقَصَابِيحٍ﴾ (فصلت،۱۲)؛ یعنی ستاره‌ها را زینت قرار دادیم؛ اما برای آسمان دنیا که همان آسمان اول است. علم عادی بشر، هرچه پیشرفت و ترقی کند، هنوز نمی‌تواند به تمام جوانب آسمان اول پی ببرد و مجهولات آن نزدش فراوان است؛ چه رسد به آسمان دوم و سوم تا آسمان هفتم که برای آدمیان ناشناخته مانده است؛ ولی قرآن کریم می‌فرماید: آنچه در آسمان‌ها و زمین است را مسخّر و در اختیار و تحت سیطرهٔ انسان قرار دادیم: ﴿أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ (لقمان،۲۳). اتفاقاً نمی‌فرماید: «خَلَقَ لَكُم»؛ بلکه می‌فرماید: «سَخَّرَ لَكُم»؛ یعنی ای انسان تو لیاقت و استعدادات این است که می‌توانی عالم وجود را مسخّر کنی! نه فقط می‌توانی بر کرهٔ زمین مسلط بشوی، نه فقط می‌توانی بر منظومهٔ شمسی مسلط بشوی، این کم است، این قطره از دریاست، تو می‌توانی بر آسمان اول، دوم تا آسمان هفتم و بر عالم عرش و بر عالم لوح مسخّر گردی و بالاخره تا به محضر خداوند برسی.

قضیهٔ معراج به ما می‌فهماند که انسان خلق شده است، برای اینکه از آسمان اول به دوم، دوم به سوم، تا آسمان هفتم بالا برود؛ مثل پیامبر اکرم ﷺ که به معراج رفتند.

لذا اگر از ما بپرسند که عالم وجود برای چه کسی و برای چه هدفی خلق شده است؟ باید بگوییم: از نظر قرآن کریم عالم وجود برای انسان خلق شده است. انسان از نظر استعداد خلیفهٔ خداست. از نظر استعداد می‌تواند بر عالم وجود مسخّر شود؛ یعنی در راه خلیفهٔ‌الاهی بيفتد و به مقام خلیفهٔ‌خدا برسد. «أَصْفَبْنِ بَرَحِيَا» پیغمبر نبود؛ اما از اطرافیان مورد اعتماد حضرت سلیمان ﷺ و یک انسان الهی بود و مقاماتی داشت. روزی هدهد به حضرت سلیمان ﷺ گفت: در یمن خاکنی سلطنت می‌کند که خورشیدپرست است. حضرت سلیمان ﷺ ابتدا به او نامه‌ای نوشت؛ ولی نتیجه نگرفت. سپس رو کرد به اطرافیان و گفت: چه کسی می‌تواند بلبقیس را با تخت سلطنتش برای من بیاورد؟ کسی گفت: من به‌اندازهٔ آنکه شما از جای خود برخیزید، تخت را با بلبقیس می‌آورم. فرمود: نه، زیاد است. سپس آصف‌بن‌برحیا که مقداری از دریای علم کتاب را داشت، به حضرت سلیمان گفت: من می‌توانم به

یک چشم بر هم زدن، تخت را بیاورم. قرآن می‌فرماید: ﴿قَالَ الَّذِي عِندَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَن يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ﴾. (نمل،۴۰)

امیرالمؤمنین ﷺ در روایتی حکمت‌آمیز فرموده‌اند: «كُنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَىٰ مِنْكَ لِمَا تَرْجُو»؛ یعنی برای آنچه بدان امید نداری، امیدوارتر از چیزی باش که بدان امیدواری! سپس با بیان سه مثال، به تبیین مقصود خویش پرداخته‌اند. می‌فرمایند: حضرت موسی ﷺ به‌منظور تهیهٔ آتش برای همسرش رفت، به افتخار گفت‌وگوی با خداوند نائل آمد، به رسالت رسید و با منصب پیامبری بازگشت؛ ملکهٔ سبا(بلقیس) از مملکت خود خارج شد و به‌دست حضرت سلیمان ایمان آورد؛ سارحان دربار فرعون برای حفظ تاج و تخت او به میدان مبارزه با حضرت موسی ﷺ آمدند و با ایمان به‌خدا ی موسی بازگشتند. (الکافی، ج۵، ص۸۳)

باید توجه شود که گاهی خداوند تعالی از سر لطف و رحمت خویش، هدف و سرنوشتی برای انسان رقم می‌زند که خودش گمان رسیدن به آن را نداشته است؛ گاهی نیز گمان رسیدن به هدف را دارد؛ ولی از راهی که گمان ندارد، به هدف و مقصود مورد نظر خویش می‌رسد.

اگر آدمی با رعایت تقوا، زمینهٔ لازم را فراهم کرده باشد، خدای سبحان از راه بی‌گمانی و از نقطه‌ای که بدان امید ندارد، گره از کار او می‌گشاید و او را بهره‌مند می‌سازد. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: ﴿وَمَن يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَّهُ مَخْرَجًا، وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾. (طلاق،۳۲)

در ساختار معاونت تهذیب و تربیت، «دبیرخانه

امور معرفتی و رسالت اجتماعی» تشکیل شد تا مبنا و غایت اخلاقی و معنویت، دارای ساختار و سازمان و برنامه رسمی شود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، در معاونت تهذیب و تربیت، نظریه‌بنیادین تربیت، مبنای برنامه‌ریزی‌ها و حرکت معاونت قرار گرفته است؛ بر اساس این نظریه، «اخلاق و معنویت»، معرفت‌بنیان است و در «رسالت اجتماعی» امتداد می‌یابد.

به‌عبارت دیگر اخلاق و معنویت عصر انقلاب اسلامی، از خودسازی بر پایه معرفت شروع شده و تا جامعه‌سازی و تمدن‌سازی امتداد می‌یابد؛ از این‌رو در ساختار معاونت تهذیب و تربیت، «دبیرخانه امور معرفتی و رسالت اجتماعی»

تشکیل شد تا مبنا و غایت اخلاق و معنویت،

دارای ساختار و سازمان و برنامه رسمی شود. قابل ذکر است که این دبیرخانه، عهده‌دار نظام موضوعات و مسائل بینشی و معرفتی است که در دروس رسمی حوزه تأمین نمی‌شود و یا نیازمند تقویت و رویکرد تربیتی است. یکی از اسناد مهم این دبیرخانه، «هنده معرفتی طلبه عصر انقلاب» است که به طبقه‌بندی نظام موضوعات و مسائل معرفتی مورد نیاز طلاب و روحانیون می‌پردازد و مبنای برنامه‌ریزی‌های بعدی قرار می‌گیرد؛ بر اساس آن، سیرهای مطالعاتی، دوره‌ها و اردوهای معرفتی تشکیل با سامانه‌هی و تقویت می‌گردند و نیز همایش‌ها، نشست‌های علمی و رویدادهای معرفتی در سطح حوزه برگزار می‌شوند.

تشکیل دبیرخانه امور معرفتی و رسالت اجتماعی در معاونت تهذیب حوزه

در بخش رسالت اجتماعی، هدف، ایجاد سازوکار تربیت ضمن خدمت و خدمت ضمن تربیت است و طلاب مدارس با مشق مسئولیت‌پذیری، نسبت به کارآمدی و نقش‌آفرینی متناسب با مأموریت‌ها و کارویژه‌های حوزوی آمادگی لازم را کسب می‌نمایند. بسپح، هیئت، اردوهای جهادی، تشکیل‌های طلبگی و... قالب‌ها و روش‌هایی است که این مهم را در تربیت محقق می‌سازند. فعالیت تشکیلاتی و گروهی طلاب و اهتمام جمعی و روحیه تعاون و جهادی، از مسائلی است که در این بخش دنبال می‌شود. همچنین موضوع نخبگان تهذیب و تربیت و نیز فعالان عرصه اخلاق و تربیت، در این بخش ساماندهی می‌شوند.